

اصول اخلاقی ارتباطات کلامی در قرآن

حسام الدین خلعتبری^۱

مجید بیگی^۲

چکیده

ارتباطات کلامی یکی از شیوه‌های بسیار مهم و اصلی در ایجاد ارتباط انسان‌ها با یکدیگر می‌باشد که بخش عمده‌ای از زندگی و روابط اجتماعی انسان را در بر می‌گیرد. قرآن به عنوان کامل‌ترین کتاب هدایتی و تربیتی برای اصلاح و هرچه بهتر کردن این بخش مهم از زندگی انسان‌ها، دستورها و سفارشات را بیان کرده است که آنها را می‌توان در چند اصل جمع کرده و در قالب منظومه و چهارچوبی ارائه داد که قابل تفریح بر مصادیق متعدد باشد این اصول در دو بخش اصول سلبی و اصول ایجابی دسته بندی شده است که اصول سلبی عبارتند از: اصل اجتناب از گفتار باطل، اصل اجتناب از زشتگویی، اصل اجتناب از تبدیل کلام دیگران، اصل اجتناب از کاربرد واژگان شبهه آفرین و بهانه ساز و اصول ایجابی عبارتند از اصل استماع اقوال، اصل گفتگوی نیکو با همه مردم، اصل استحکام در سخن، اصل استعمال قول معروف. این تحقیق بر اساس روش کتابخانه‌ای و تحلیل متن و محتوا انجام شده است.

واژگان کلیدی: ارتباطات، کلام، گفتار، اخلاق، قرآن، تفاسیر فریقین

طرح مسأله

ارتباطات میان انسان‌ها به دو دسته کلی تقسیم می‌شود ارتباطات رفتاری و ارتباطات کلامی. در قرآن کریم مجموعه ارتباطات اعم از رفتاری و کلامی را با «ذات بین» تعبیر کرده که مؤمنین را به اصلاح آن توصیه و سفارش می‌کند در واقع اصلاح ذات البین به معنی اصلاح اساس ارتباطات و تقویت و تحکیم پیوندها می‌باشد (رازی ابوالفتوح، ۹: ۵۷، ۱۴: ۱۴۱۹؛ ۱: ۲۵۴، مکارم ۱۳۷۴، ۷؛ ۸۳، طبرسی ۱۳۷۲، ۴، ۷۹۶، شوکانی ۱۴۱۴، ۲، ۳۲۶) بی‌مبالاتی در اصلاح ارتباطات اعضای مجتمع بشری سبب سردی روابط، پیدایش ذهنیت منفی در دیگران، محدود شدن ارتباطات و موجب انزوای اجتماعی و در نهایت سبب گسست جامعه می‌گردد و بدیهی است که مقابله با تضعیف اجتماع بشری از جمله اصول اساسی دین مبین اسلام می‌باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۸، ۳۲۴) یکی از مباحث مهم ارتباطات، ارتباطات

۱- استادیار دانشگاه علامه طباطبائی Khalat.hesam@gmail.com

۲- مدرس دانشگاه زنجان

کلامی میان افراد اجتماع است، منظور از ارتباطات کلامی در این مقاله به معنای اعم آن یعنی شامل، گفتار، سخن، گفتگو، نقل قول، خطبه و سخنرانی می‌باشد که همه انواع و اقسام ارتباطات کلامی و حتی محاوره‌های عمومی را نیز در برمی‌گیرد، ارتباطات کلامی می‌تواند حاکی از عقاید انسان‌ها باشد و نحوه تعامل در ارتباطات کلامی می‌تواند بیان‌گر قسمت بزرگی از سبک زندگی یک فرد یا جامعه باشد. همچنین است، نحوه‌ها و شیوه‌های ارتباطات کلامی در هر جامعه که یکی از ابزارهای مهم نشان‌دهنده و حتی انتقال‌دهنده فرهنگ آن جامعه می‌باشد. در میان اندیشمندان اسلامی برخی از جنبه‌های ارتباطات کلامی مورد بحث و گفتگو قرار گرفته و تألیفاتی درباره آنها نگاشته شده است که از جمله آنها می‌توان به تألیفات ذیل اشاره نمود که با موضوع اخلاق مناظره تألیف شده‌اند مانند آداب التخاب، نوشته میر محمد عباس بن علی، (متوفی ۱۳۰۶ ه. ق) آداب البحت و المناظره نوشته میر غیاث‌الدین حسینی دشتکی، (متوفی ۹۴۸ ه. ق) آداب البحت نوشته کمال‌الدین میثم بن علی بحرانی، (متوفی ۶۷۹ ه. ق) آداب المناظره نوشته شیخ مهذب‌الدین احمد بن عبدالرضا که در ۱۰۸۱ ه. ق به نگارش درآمده است، آداب المناظره‌ی نوشته شیخ سلیمان بن عبدالله الماحوزی، (متوفی ۱۱۲۱ ه. ق) آداب المناظره‌ی، نوشته احمد بن اسماعیل جزائری، (متوفی ۱۱۴۹ ه. ق) بدیهی است که این نوشته‌ها و رساله‌ها تنها به بخشی از مسأله ارتباطات کلامی پرداخته و در مقام تبیین آداب مناظره برآمده است، این درحالی است که ارتباطات کلامی بسیار فراتر از مسأله مناظره می‌باشد.

دین مقدس اسلام با توجه به اهمیت فراوانی که به سلامت فضای روانی جامعه اسلامی می‌دهد بدین جهت تمام تلاش خود را مصروف آن می‌سازد که از هر عاملی که موجب ایجاد فضای غیر مطلوب و ناسالم روانی در جامعه و اذهان و نفوس افراد می‌شود ممانعت به عمل آید و تاحد ممکن فضای حاکم در فرهنگ جامعه و اخلاق افراد، شاکله مهذب و مزکی بر خورد بگیرد. روشن است که نوع ارتباطات کلامی در میان افراد یکی از عوامل ایجاد فضای سالم و ناسالم روانی می‌باشد.

اکنون پرسش آن است که با توجه به گستره بسیار زیاد ارتباطات کلامی و همچنین اهمیت آن در تهذیب اخلاق افراد و تصفیه فرهنگ جامعه، آیا قرآن به عنوان کتاب جامع هدایتی و تربیتی توجه به این مهم نموده است؟ و در صورت مثبت بودن پاسخ آیا به صورت موردی به بررسی این مسأله اقدام نموده است و یا اصولی را برای ساماندهی این مهم در نظر داشته است؟ آیا می‌توان با بررسی و تحلیل آیات قرآن منظومه و چهارچوبی از اصول را ارائه داد که قرآن براساس آن به تنظیم ارتباطات کلامی جوامع بشری پرداخته است؟ و بتوان با تفریع این اصول مصادیق متعدد و فراوان ارتباطات کلامی را در ذیل آن جمع‌بندی کرد؟

با یک بررسی دقیق روشن می‌گردد قرآن از این مهم غافل نبوده بلکه به طراحی برخی اصول کلی جهت تنظیم صحیح ارتباطات کلامی جوامع انسانی توجه داشته که می‌توان آن را در قالب دو بخش کلی، اصول سلبی و اصول ایجابی دسته‌بندی کرد این مقاله در پی پاسخ به این پرسش با تکیه بر تفاسیر معتبر فریقین به تحلیل و بررسی آیات قرآن پرداخته است.

اصول سلبی ارتباطات کلامی

اصول سلبی ارتباطات کلامی به آن دسته از اصولی گفته می‌شود که از نظر قرآن لازم است از جملگی آنها به هنگام برقراری ارتباطات کلامی، از آنها اجتناب و پرهیز شود، عدم رعایت این اصول موجب تضعیف ارتباطات کلامی می‌شود و می‌تواند مفسده‌های متعددی را در جامعه اسلامی ایجاد نماید، این اصول عبارتند از:

اصل اجتناب از گفتار باطل

یکی از اصول بسیار مهمی که به هنگام تخاطب و ایجاد ارتباط کلامی باید رعایت گردد اصل اجتناب و پرهیز از هرگونه گفتن، سخن باطل می‌باشد. دین مقدس اسلام با توجه به اهمیت فراوانی که به سلامت فضای روانی جامعه اسلامی می‌دهد بدین جهت تمام تلاش خود را مصروف آن می‌سازد که از هر عاملی که موجب ایجاد فضای غیر مطلوب و ناسالم روانی در جامعه و اذهان و نفوس افراد می‌شود ممانعت به عمل آورد و روشن است که نوع ارتباط کلامی در میان افراد، یکی از عوامل ایجاد فضای سالم و ناسالم روانی می‌گردد بدین جهت قرآن کریم به عنوان یکی از منابع اصلی مبین اخلاق اسلامی یکی از اصول اخلاقی ارتباطات کلامی را چنین بیان می‌کند:

«فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ» (حج: ۳۰)

واژه «الزور» به معنی باطل می‌باشد، اگر چه در بسیاری از روایات مصدور از ائمه اهل‌البیت (ع) قول الزور تفسیر به گفتار غنا شده است که در فقه اسلام خواندن و شنیدن آن حرام می‌باشد (رک: حلی، ۲، ۲۰۹؛ حر عاملی ۱۴۰۳، ۹۳؛ شهید ثانی ۱۴۱۰؛ ۳، ۲۱۲) و در روایتی از یکی از یاران امام صادق (ع) بنام زید الشحام چنین بیان شده: از امام صادق (ع) تفسیر آیه را پرسیدم که گفت منظور از قول زور غنا می‌باشد (کلینی ۱۴۲۹، ۴۳۶، ابن‌حیون ۱۳۸۵، ۲، ۲۱، صدوق ۱۴۱۳، ۴، ۵۸)

روشن است که «قول الزور» در آیه مذکور مطلق بوده و نمی‌توان دلالت آن را در غنا محصور ساخت بلکه بیان غنا از مصادیق «قول الزور» می‌باشد امام علی (ع) در روایتی منقول از تحف العقول با عبارت «لا تشهدوا قول الزور» از شهادت به قول زور نهی می‌کند (ابن شعبه حرانی ۱۳۶۳، ۱۰۹) همچنین امام باقر (ع) قول زور را شهادت دروغ معنی می‌کند (ابن‌حیون ۱۳۸۵، ۲، ۵۰۸) برحسب اقتضا و ظاهر آیه عبارت «قول الزور» مطلق بوده و شامل تمامی اقوال باطل و حرام می‌گردد، این بیان از آیه در کلام بسیار از مفسران آمده است: «مطلق اقوال باطله و محرّمه زور است باید اجتناب کرد» (طیب ۱۳۷۸، ۹، ۲۹۶؛ طباطبائی ۱۴۱۷، ۱۴، ۳۷۲) شیخ طوسی در تفسیر این آیه می‌نگارد:

«از اصحاب ما امامیه در تفسیر این آیه چنین روایت شده که مراد از رجس بازی با شطرنج و نرد و سایر انواع قمار می‌باشد و مراد از قول الزور دروغ است همچنین اصحاب روایت کرده‌اند که در آن غنا و سایر گفتارهای بیهوده و لہو نیز داخل می‌باشد» (طوسی (بی تا)، ۷، ۳۱۲) مفسرین اهل سنت معنای اطلاق آیه را بیان کرده «قول الزور» را به مطلق کلام باطل و دروغ تفسیر نموده‌اند (بیضاوی ۱۴۱۸، ۳، ۱۵۵؛ زمخشری ۱۴۰۷، ۳، ۱۵۵؛ شوکانی ۱۴۱۴، ۳، ۵۳۴) طبری قدیم‌ترین مفسر روایی اهل تسنن در تفسیر آیه چنین می‌نویسد: در آیه اجتنابوا قول الزور «اجتناب از سخن دروغ می‌باشد» (طبری ۱۴۱۲، ۱۷، ۱۱۲)

روشن است که ظاهر آیه که قول زور در آن به معنای گفتار باطل ترجمه می‌شود با روایت‌هایی که از ساحت ائمه معصومین (ع) در بیان این آیه وارد شده که آن را به غنا تفسیر کرده است به راحتی قابل جمع می‌باشد چرا که روایت در مقام بیان مصادیق قول زور می‌باشند قول زور در اصل به معنی گفتار و سخن دروغ و باطل و خارج از حد اعتدال می‌باشد بدین جهت در برخی از احادیث اوئان به شطرنج تفسیر شده است که نوعی از قمار می‌باشد و قول زور به غنا که نوعی از خوانندگی حرام می‌باشد و شهادت به باطل تفسیر شده است که در واقع این موارد از قبیل بیان بعضی از افراد این کلی می‌باشد، نه به معنی انحصار مفهوم (رک: مکارم ۱۳۷۴، ۱۴، ۹۲) آنچه که از این گفتار به دست می‌آید آن است که یکی

از اصولی که در برقراری ارتباطات کلامی لازم است رعایت گردد اصل اجتناب از گفتار باطل می‌باشد می‌توان گفت احکامی چون حرمت دروغ بیان سخنان باطل و غیر واقع، بیان مباحث غیر علمی و غیر عقلی، شهادت غیر واقعی و غیره را می‌توان از مصادیق این اصل دانست.

اصل اجتناب از زشت‌گویی:

«لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ» (نساء: ۱۴۸)

در کلام برخی مفسران عدم حب به معنای بغض تفسیر شده است (شوکانی ۱۴۱۴، ۱، ۶۱۲) لذا آیه در مقام آن است که خداوند اظهار و جهر به سوء را مبعوض معرفی کرده است، با توجه به تتبعی که به عمل آمد از مفسرین کسی مشاهده نشد که بر این نظر قائل باشد که «لا یحب الله» به معنای بغض نبوده لذا معنای آن این است جهر به سوء را خداوند مبعوض نمی‌داند بلکه محبوب نیز نمی‌داند لذا امری مباح می‌باشد. بدین رو آلو سی بطور صریح می‌گوید محبت نداشتن خداوند کنایه از غضب او است (الوسی ۱۴۱۵، ۳، ۱۷۷) علامه طباطبائی در این باره می‌نویسد: و مراد از «دوست نداشتن»، این است که در شریعت خود آن را نکوهیده شمرده است (طباطبائی ۱۴۱۷، ۵، ۱۲۳)

«الجهر» در کلام اکثر مفسران به معنای اظهار و اعلان و اذاعه معنا شده است (صادقی ۱۴۱۹، ۱۰۲، خانی ر ضا ۱۳۷۲، ۴، ۲۴۰؛ حسینی شاه عبدالعظیمی ۱۳۶۳، ۲، ۶۲۷؛ سمرقندی، ۱، ۳۵۲) به تعبیر یکی از مفسران معاصر: «منظور از کلمه «سوء» هر گونه بدی و زشتی بوده و منظور از «جهر ... من القول» هر گونه ابراز و اظهار لفظی است، خواه به صورت شکایت باشد یا حکایت، یا نفرین، یا مذمت، و یا غیبت و مفهوم آیه منحصر در این موارد نبوده بلکه هر نوع بدگویی را شامل می‌شود» (رک: مکارم ۱۳۷۴، ۱۴، ۴۰۳)

با توجه به اینکه خداوند تبارک و تعالی ستار العیوب است بدین جهت دو ست ندارد که انسان‌ها پرده‌داری کنند و عیوب مردم را فاش سازند و آبروی آنها را ببرند-روشن است که هر انسانی معمولاً دارای نقاط ضعف پنهانی می‌باشد که اگر بنا شود این عیوب اظهار گردد یک نوع روح بدبینی بر سراسر جامعه سایه می‌افکند، و همکاری انسان‌ها را با یکدیگر مشکل می‌سازد، بنابراین به سبب استحکام و تقویت پیوندهای اجتماعی و انسجام نهادهای جمعی و بخاطر رعایت و حفظ شأن و کرامت انسان، بر طبق اصل اجتناب از زشت‌گویی دین مقدس اسلام از هرگونه ناسزاگویی و زشت‌گویی و اظهار بدی‌ها و زشت‌های دیگران نهی نموده است.

زشت‌گویی در نزد پروردگار چنان قبیح است که آیه مبارکه به طور مطلق از آن نهی می‌کند و حتی به مسلمانان اجازه نمی‌دهد که نسبت به مشرکین و بت‌های آنها ناسزا گویند. (انعام: ۱۰۸)

مرحوم علامه طباطبائی در تبیین این اصل چنین بیان می‌کند: «و کلمه «بالسوء من القول» به معنای هر سخنی است که درباره هر کسی گفته شود ناراحت می‌گردد، مثل نفرین و فحش، چه فحشی که مشتمل بر بدی‌ها و عیب‌های طرف باشد و چه فحشی که در آن بدی‌هایی به دروغ به وی نسبت داده شود، همه این‌ها سخنانی است که خدای تعالی جهر به آن را و یا به عبارت دیگر اظهار آن را دوست نمی‌دارد (طباطبائی ۱۴۱۷، ۵، ۱۲۳)

برخی از مفسرین از این آیه چنین برداشت کرده‌اند که هرگونه اظهار عیوب و بدی‌ها و قباحت‌های مردم را خداوند روا نمی‌دارد (رازی فخرالدین ۱۴۲۰، ۱۱، ۲۵۳) در همین راستا خداوند هرگز اجازه اشاعه فحشا را به مسلمین نمی‌دهد:

«انَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»
(نور: ۱۹)

باید دقت کرد این دوست داشتن اگرچه به مرحله‌ی عمل نرسد باعث گرفتاری در عذاب دردناک خواهد بود، چنین تعبیری مبین نهایت تأکید در پرهیز و اجتناب از شیوع و رواج گناه و زشتی است. از دیگر سو باید توجه داشت فحشاء برخلاف تصور عامه مردم دارای معنای مطلق و گسترده می‌باشد لذا شأن نزول آیه منجر به آن نگردد که گمان شود که «اشاعه فحشاء» منحصر به این است که انسان تهمت و دروغ بی اساسی را در مورد زن و مرد با ایمانی نشر دهد، و آنها را به عمل منافی عفت متهم سازد، بلکه این مورد تنها یکی از مصادیق واژه فحشاء می‌باشد، اصطلاح قرآنی فحشاء مفهوم وسیعی دارد که هرگونه نشر فساد و اشاعه زشتی‌ها و پلیدی‌ها و کمک به توسعه آن را شامل می‌گردد (رک: مکارم ۱۳۷۴، ۱۴، ۴۰۳) لذا بر اساس این آیه گفتگو هرگز نباید منجر به اشاعه فحشاء گردد. در کنار این آیه بر حسب حدیث: «من أذاع فاحشه‌ی کان کمبتدیها» (مفید ۱۴۱۳، ۲۲۹، برقی ۱۳۷۱، ۱، ۱۰۴، کلینی ۱۴۲۹، ۲، ۳۵۶، مجلسی ۱۴۰۳، ۷۰، ۳۸) کسانی که موجب نشر فحشاء می‌گردند به منزله انجام دهندگان فحشاء محسوب شده‌اند لذا به شدت از حصول چنین گفتگوهای هشدار داده شده است.

گفتگوهای مربوط به فواحش موجب زوال قبح زشتی‌ها گشته و روز به روز از حساسیت مردم نسبت به آن می‌کاهد و ظهور چنین رفتارهایی را در چشم مردم و جامعه عادی می‌سازد از طرفی ممکن است عاملان چنین فعلی از کار خود پشیمان گشته و توبه نمایند و یا آبروی عده‌ای بی گناه از بین رود بدین جهت است که در احادیث اخلاقی دین مقدس اسلام به جهت جلوگیری از وقوع چنین رفتارهایی ابتدا از راوی خواسته شده که به هنگام مشاهده و شنیدن چنین اخباری دیگران را تکذیب کرده و قول کسی که در مورد او سخن می‌رود را تصدیق نماید.

«كذب سمعك و بصرک عن أخیك، و إن شهد عندك خمسون قسامه‌ی. و قال لك قولاً فصدقه و كذبهم» (کلینی ۱۴۲۹، ۱، ۳۵۵، دیلمی ۱۴۰۸، ۴۰۵، حر عاملی ۱۴۲۹، ۱۲، ۲۹۵) از آنچه را که نسبت به مؤمنی می‌شنوی گوش و چشم خود را تکذیب کن اگر پنجاه نفر نسبت به بدی او نزد تو قسم بخورند شهادت آنها را تکذیب کن و سخن او را بپذیر. از این رو است که شرع مقدس هشدار داده که هرکس در مورد مؤمنی هر چیزی را که می‌شنوند و می‌بیند نقل نکند: «من قال فی مؤمن ما رآته عیناه و سمعته أذناه، فهو من الذین قال الله عز و جل: «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ» (کلینی، ۱۴۲۹، ۴: ۸۲، مفید، ۲۲۷ شهید ثانی ۱۳۹۰؛ ۱۱، مجلسی ۱۴۰۴، ۱۰، ۴۲۹)

در این راستا است که به شدت نسبت به کسانی که این مسأله را رعایت نکنند وعید دوزخ داده شده است بر طبق حدیث پیامبر اکرم (ص) (کبیر مدنی، ۵، ۳۷) همه امت عفو شامل حالشان می‌شود مگر مجاهران، بر حسب گفتار علمای فقه الحدیث مجاهر کسی است که از اعمال بد دیگران خبر دهد (طیب ۱۳۷۸، ۱: ۳۲۸) بر اساس مباحث مطرح شده چنین به دست می‌آید که اجتناب از زشت‌گویی از دیگر اصول اخلاقی ارتباطات کلامی می‌باشد می‌توان گفت که حرمت احکامی چون اشاعه فحشاء، افشای عیوب، نفرین، تهمت، غیبت، گزارش کردن گناهان، پخش و نقل گزارش‌های زشت، ناسزاگویی، از مصادیق این اصل می‌باشند که از بازگویی آنها نهی شده است.

۵- کسانی که دوست دارند زشتیها در میان مردم با ایمان شیوع یابد، عذاب دردناکی برای آنان در دنیا و آخرت است و خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید.

۶- «کل امتی معاف الا المجاهرون»

اصل اجتناب از تبدیل کلام دیگران:

یکی از اصول بسیار مهم اخلاقی که باید در برقراری ارتباطات کلامی رعایت گردد اصل اجتناب از تبدیل و تغییر گفتار دیگران می‌باشد قرآن در این راستا کسانی را که کلام را تغییر و تبدیل به چیز دیگر می‌کنند را ظالم می‌شمارد در یکی از داستان‌های مربوط به قوم بنی اسرائیل که در قرآن مطرح گشته این گونه است که قوم بنی اسرائیل دستور داده می‌شود تا وارد بیت المقدس گشته و از نعمت‌های فراوان آن هر چه می‌خواهند بخورند (آغازی ملاحظه ۱۳۸۲، ۵، ۴۵) بدین جهت به آنها دستور داده شد تا از در معبد بیت المقدس با خضوع و خشوع وارد گردند (رازی فخرالدین ۱۴۲۰، ۳، ۵۲۲، ابن ابی حاتم ۱۴۱۹، ۱: ۱۱۶) و بگویند: خداوند! گناهان و سنیات ما را بریز تا خداوند آنها را ببخشد، و به نیکوکاران پاداش زیادتری عنایت نماید اما افراد ستمگر این سخن را تغییر داده و آن را عوض کردند و به جای آن جمله استهزاء آمیز و تمسخرانه‌ای می‌گفتند، قرآن در این راستا می‌فرماید که خداوند به خاطر چنین رفتارشان عذابی از آسمان برای آنها فرستاد:

«وَ إِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَاكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَ ادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَ قُولُوا حِطَّةً نَغْفِرْ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ وَ سَنُرِيدُ الْمُحْسِنِينَ (بقره: ۵۸) فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ» (بقره: ۵۹)

آیه به صراحت بیان می‌کند که گروهی قول گفته شده را تبدیل به چیز دیگری کردند بدین جهت ظالم شمرده شده و مستحق گرفتاری در عذاب گردیدند (طیب ۱۳۷۸، ۶، ۱۰)

در این آیات همچنان که قرآن کسانی را که قول و گفتاری را از موضع اصلی آن تغییر و به چیز دیگری تبدیل می‌کنند را ظالم می‌شمارد و به آنها وعده عذاب می‌دهد همچنین در این جهت است که این کار را از مصادیق خیانت محسوب و معرفی می‌نماید:

«فَبِمَا نَقُضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَ جَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَ نَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ وَ لَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (مائده: ۱۳)

از مجموعه‌ی این آیات چنین به دست می‌آید که تبدیل کلام گوینده به چیز دیگر یکی از موضوعاتی است که در بینش شرع مقدس اسلام از آن به شدت نهی شده است و این را می‌توان در قالب اصل اجتناب از تبدیل کلام دیگران، به عنوان یکی از اصول اخلاقی مورد نظر قرآن درباره ارتباطات کلامی، محسوب داشت، این اصل کلی در اخلاق اسلامی و دانش حدیث دارای مصادیق متعددی چون رعایت امانتداری در نقل قول و تحمل حدیث، حرمت تحریف به زیاده یا به نقصان می‌باشد.

اصل اجتناب از کاربرد واژگان شبهه‌آفرین و بهانه‌ساز

۷- و (به خاطر بیاورید) زمانی را که گفتیم: «در این شهر [بیت المقدس] وارد شوید! و از نعمتهای فراوان آن، هر چه می‌خواهید بخورید! و از در (معبد بیت المقدس) با خضوع و خشوع وارد گردید! و بگویند: «خداوند! گناهان ما را بریز!» تا خطاهای شما را ببخشیم و به نیکوکاران پاداش بیشتری خواهیم داد.

۸- ولی بخاطر پیمان‌شکنی، آنها را از رحمت خویش دور ساختم و دل‌های آنان را سخت و سنگین نمودیم سخنان (خدا) را از موردش تحریف می‌کنند و بخشی از آنچه را به آنها گوشزد شده بود، فراموش کردند و هر زمان، از خیانتی (تازه) از آنها آگاه می‌شوی، مگر عده کمی از آنان ولی از آنها درگذر و صرف نظر کن، که خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد.

یکی از اصول سلبی که قرآن از مؤمنین می‌خواهد از کاربرد آنها در ارتباطات کلامی خودشان از آن پرهیز نمایند استعمال واژگانی است که موجب ایجاد شبهه در جامعه اسلامی شده و به دیگران علی‌الخصوص دشمنان بهانه‌ای برای تضعیف مسلمانان می‌دهد.

یکی از صریح‌ترین آیاتی که در آن قرآن به این مسأله توجه نموده است آیه ۱۰۴ سوره بقره می‌باشد که می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَ قُولُوا انظُرْنَا وَ اسْمَعُوا وَ لِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ»^{۱۰}

در این سوره خداوند مؤمنین را از به کار بردن واژه «راعنا» نهی کرده و تو صیه می‌کند به جای آن از واژه «انظرنا» استفاده نمایند، در نگاه مفسران فریقین واژه «راعنا» در لغت عربی به معنی مدار کن با ما، و یا به حرف ما گوش بدار می‌باشد (حق‌ی بروس، بی تا)، ۱: ۱۹۷، حسنی أبوالمکارم ۱۳۸۱، ۹، طوسی (بی تا) ۱: ۳۸۷، اما در لغت یهود واژه راعنا از کلمه رعونه به معنای غیر از آنچه که مسلمین از آن اراده می‌کردند، دلالت می‌کرد، برخی از مفسرین بیان کرده‌اند که این واژه در لغت یهود به معنای چوپانی کن ما را گفته شده است (مکارم، ۱: ۳۸۵) فخر رازی این واژه را در لغت یهود به معنای بشنو هرگز نشنوی معنا نموده‌اند (رازی فخرالدین ۱۴۲۰، ۳: ۶۳۴، طبرسی و بسیاری دیگر از مفسران برآند این واژه دلالت به حمق و سستی می‌دهد (طبرسی ۱۳۷۲، ۱: ۳۴۳) عمده مفسران این واژه را در لغت یهود دلالت بر استهزاء گرفته‌اند اگر معنای دقیق و مورد مراد «راعنا» در لغت یهود مشخص نیز نباشد، دلایل و قراین متعدد نشان می‌دهد که این واژه دلالت به امر باطلی می‌نموده است امام باقر علیه السلام در تبیین این مسأله می‌فرماید کلمه «راعنا» در لغت عبری برای دشنام به کار می‌رفته و منظور یهود از اطلاق آن همان دشنام بوده است (عروسی حویزی ۱۴۱۵، ۱: ۱۱۵) آنچه که مورد اشاره آیه است این می‌باشد که واژه راعنا اگر چه در لغت عربی به معنی مهلت بده و مدارا کن می‌باشد اما چون در لغت عبری معنای دیگری چون تحمیق کردن می‌دهد، لازم است مؤمنین از به کار بردن آن اجتناب نمایند همچنان که در شأن نزول آیه آمده است که مسلمانان صدر اسلام هنگامی که پیامبر اکرم (ص) مشغول سخن گفتن می‌شد و بیان آیات و احکام الهی می‌نمود برخی از مسلمانان از ایشان می‌خواستند اندکی با تأنی مطالب را املاء نمایند تا آنها قادر به درک و ضبط آن شوند (سیوطی ۱۴۰۴، ۱: ۱۰۴) لذا از حضرت رسول الله (ص) می‌گفتند راعنا یعنی رعایت کن با ما که برای یهود دستاویزی پیدا شده بود که از آن واژه سوء استفاده می‌کرد و مسلمین و حضرت پیامبر را به استهزاء می‌گرفت بدین جهت آیه فوق نازل گردید و برای جلوگیری و ممانعت از این سوء استفاده به مسلمانان دستور نمود از کاربرد واژگان شبهه آفرین و بهانه ساز پرهیز نمایند لذا به جای عبارت «راعنا»، از جمله «انظرنا» استفاده کنند. روشن است که واژه انظرنا در عین حال که همان معنای مقصود مسلمین را از راعنا می‌رساند از سوء استفاده دشمن ممانعت می‌نماید. می‌توان گفت بیان حرف‌های چند پهلو، کلام شبهه آفرین، جملات ایهام‌دار از مصادیق این اصل می‌باشند که به اجتناب از آن توصیه شده است.

اصول ایجابی ارتباطات کلامی

دسته دوم از اصول اخلاقی ارتباطات کلامی در قرآن که لازم است به هنگام برقراری ارتباط کلامی از طرف مسلمانان رعایت گردد در این نوشتار، عنوان اصول ایجابی ارتباطات کلامی، بر آنها اطلاق شده است که در این بخش به بررسی آنها پرداخت می‌شود.

۹- آیه دیگری که به مسئله توجه نموده آیه ۴۶ سوره نساء می‌باشد.

۱۰- ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نگویید: «راعنا»، و بگویید: «انظرنا»، و بشنوید و کافران را عذابی دردناک است.

اصل استماع اقوال:

یکی از اصول بسیار مهمی که در برقراری ارتباطات کلامی باید رعایت گردد اصل شنیدن سخنان همه می باشد تا در نتیجه آن انسان بتواند حرفها و نظریات صحیح را بررسی و انتخاب نماید، خداوند چنین انسان های را که اقوال متعدد را می شنوند آنگاه بهترین آنها را انتخاب و گزینش می نمایند را بندگان راه یافته و هدایت شده خود می داند.

«فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ» (زمر ۱۷ و ۱۸) در اینکه «قول» در جمله «يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ» (سخنان را می شنوند) به چه معنا می باشد در میان مفسران اختلافهایی وجود دارد و هر یک از آنها تفسیرهای گوناگونی را مطرح کرده اند: زجاج منظور از قول را به «قرآن» تفسیر کرده است لذا در نظریه پیروی از احسن به معنی پیروی از طاعات می باشد (رک: طبرسی، ۸، ۷۷۰) بعضی دیگر از مفسرین دلالت آیه را به مطلق اوامر الهی تفسیر کرده اند خواه در قرآن باشد یا غیر قرآن. (همو، همان) شوکانی از مفسرین دوره میانه «يستمعون القول» را به قول حق تفسیر نموده و مراد از تبعیت از قول احسن را تبعیت از قول محکم معرفی می کند (شوکانی، ۴، ۵۲۳) مشخص است که تعمیم یا تخصیص عبارتها و عدول از ظواهر دلالت آیات نیاز به دلیل و قرینه می باشد، اما آنچه که به نظر می رسد صحیح باشد و بتواند تبیین دقیق تری از آیه مورد نظر نماید آن است هیچ گونه دلیلی بر این گونه تفسیرهای محدود در دست نمی باشد لذا قراین و اماراتی جهت عدول از ظاهر آیه وجود ندارد، بلکه ظاهر آیه معنای عامی داشته و هرگونه قول و سخن را شامل می گردد، (مدرسی سید محمدتقی ۱۳۷۷، ۱۱: ۴۴۹، طبرسی ۱۳۷۲، ۸، ۴۹۳. آلوسی، ۲۳، ۲۵۳، طباطبائی ۱۴۱۷، ۱۷، ۲۵۰)

صاحب تفسیر احسن الحدیث بر این است قرآن در این آیه این اجازه را می دهد که انسان همه سخنان را بشنود و بهترین آنها را انتخاب کرده و پیروی کند، قول احسن، قولی است که بهترین راه سعادت را نشان بدهد و ارشاد کند (رک: قرشی، ۹، ۲۷۹) همچنان که برخی مفسرین بیان می نمایند دلالت آیه عام بوده است و هم اینکه این دو آیه به عنوان یک شعار اسلامی که مبین آزاداندیشی مسلمانان می باشد درآمده است، گویای این امر می باشد که یکی از اصول اخلاقی در ارتباطات کلامی این است که همه اقوال مورد استماع قرار گیرد آنگاه بهترین آن انتخاب شود. به تعبیری یکی از مفسران معاصر همین انتخاب گری اقوال و استماع آنها است که بندگان این چنینی را مستحق بشارت پروردگار گردانیده است (مکارم ۱۳۷۴، ۱۹، ۴۱).

بر اساس این اصل می باشد که قرآن مؤمنین را موظف می نماید زمینه ها و بسترها را جهت شنیدن کلام خداوند برای مشارکین آماده سازند لذا مؤمنین موظف به تأمین امنیت کسانی هستند که جهت آشنایی با فرهنگ اسلامی و استماع اقوال مسلمین به بلاد اسلامی می آیند قرآن جهت ایجاد بستری مناسب برای رعایت اصل استماع اقوال برای مشارکین خطاب به رسول الله (ص) می فرماید: «وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ

۱۱- بشارت بده بندگان مرا آنها که سخنان را می شنوند، و از نیکوترین آنها پیروی می کنند آنها کسانی هستند که خدا هدایت شان کرده و آنها

مَأْمَنَةٌ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ» (توبه: ۶) می‌توان گفت احادیثی چون «لا تنظر إلی من قال و انظر إلی ما قال» (تمیمی آمدی ۱۴۱۰؛ ۷۴۴) از مصادیق این اصل محسوب می‌گردند.

اصل گفتگوی نیکو با همه مردم

یکی از اصول بسیار مهمی که قرآن نسبت به رعایت آن در برقراری ارتباط کلامی تأکید می‌کند گفتگوی حسن می‌باشد که بدین صورت بیان می‌دارد «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» (بقره: ۸۳)

واژه حسن در این آیه دارای اطلاق بوده و به نظر می‌رسد تخصیص نخورده و تبادل بر معنای خاص ندارد اما با این وجود مفسران در معنای آن چند احتمال را بیان کرده‌اند یکی از مفسران متقدم منظور آیه را چنین بیان داشته که با مردم در مورد نعت و صفات حضرت پیامبر(ص) قول صدق و راستین بگویند همانگونه که خداوند در کتابش این‌گونه سخن گفته است (سمرقندی، ۱، ۶۹) سفیان ثوری بیان داشته: منظور: امر به معروف و نهی از منکر است. اما ربیع بن انس آیه را به صورت مطلق تفسیر می‌کند «منظور از این جمله گفتار نیک است» (طبرسی، ۱، ۲۴۰) همچنین در نظر ابن عباس منظور از «قول حسن» گفتار نیک و اخلاق خوش است که مورد رضایت و خشنودی خداوند می‌باشد (همو، ۱، ۲۴۰) در روایتی جابر از امام باقر نقل می‌کند که در تفسیر آیه امام فرمود: «قولوا للناس أحسن ما تحبون ان یقال فیکم». با مردم بسیار نیکوتر از آنچه که خودشان دوست دارند سخن بگویید.

در مورد واژه الناس نیز مفسران اقوال متعددی را بیان نموده‌اند بعضی بر آنند که این دستور فقط در مورد مؤمنین است اما عده‌ای دیگر دلالت آیه را عام بیان داشته ولی می‌پندارند که آیه نسخ شده است در روایتی تفسیری از ابن عباس و قتاده نقل شده است که این جمله نسخ شده است و ناسخ آن آیه سیف و دیگری فرمایش رسول خدا: که با آنان مقاتله کنید تا «لا اله الا الله» بگویند و یا بر جزیه گردن نهند (طبرسی، ۱، ۲۹۹) طبرسی دلالت آیه را عام و مشمول همه افراد اعم از مؤمن و غیر مسلمان می‌داند و در پاسخ به قائلین نسخ می‌نویسد: قتال با مشرکین با وجود حسن قول با آنها در دعوت به ایمان و اسلام بر حسب آیه «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» هیچ منافاتی با همدیگر ندارد، همچنان که قرآن کریم از سب بر مشرکین و خدایان آنها مسلمان را برحذر داشته و چنین عملی را ممنوع نموده است «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ» (همو، ۱، ۲۴۰) طیفی دیگر از مفسرین در تکمیل و تقویت این نظریه که خطاب آیه عام و فراگیر است با استناد به روایتی از امام باقر (ع) بیان می‌کنند «این دستور خداوند عمومی و شامل مؤمن و کافر می‌باشد (همو، همان، طوسی (بی تا)، ۱: ۳۳۰) مرحوم علامه طباطبائی با پذیرش اطلاق در هر دو واژه قول و الناس و عدم تخصیص آنها بر معانی خاص در شرح روایت صادره از اهل البیت (ع) در ذیل این آیه می‌نویسد: «چنین بنظر می‌رسد که ائمه (ع) این معانی را از اطلاق کلمه حسن استفاده کرده‌اند، چون هم در نزد گوینده‌اش مطلق است، و هم از نظر مورد» (طباطبائی ۱۴۱۷، ۱: ۲۵۲) بر این اساس می‌توان گفت که برقراری ارتباط کلامی و گفتگوی نیکو و زیبا با همه مردم یکی از اصول اخلاقی است که لازم است در جامعه مسلمانان رعایت گردد حرمت مواردی چون گفتار زشت، ناسزا گویی، تحقیر کلامی، اطلاق القاب زشت، نفرین از مصادیق این اصل می‌باشند.

۱۲- و اگر یکی از مشرکان از تو پناهندگی بخواهد، به او پناه ده تا سخن خدا را بشنود (و در آن بیندیشد)! سپس او را به محل امنش برسان، چرا که آنها گروهی ناآگاهند.

اصل استحکام در سخن:

یکی دیگر از اصول ایجابی ارتباطات کلامی که قرآن به آن در آیات متعدد توجه نموده و مورد توصیه و سفارش قرار داده تا به سبب آن از ظهور و بروز بسیار از مشکلات غیراخلاقی جامعه بکاهد اصل استحکام در سخن می‌باشد. قرآن به سبب شیوع شایعات فراوانی در جامعه مسلمین که موجب اذیت و آزار حضرت پیامبر(ص) می‌شد و باعث رواج بسیاری از امور غیر اخلاقی چون تهمت بستن به افراد می‌گشت در آیاتی ضمن یادآوری از گفتگوهای زشت بنی‌اسرائیل که موجب آزار حضرت موسی (ع) می‌شدند به مسلمان چنین سفارش می‌نماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ آذَوْا مُوسَىٰ فَبَرَّأَهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا وَكَانَ عِندَ اللَّهِ وَجِيهًا» (الاحزاب: ۶۹)

طبق روایتی موسی و هارون علیهم‌السلام بر فراز کوه رفتند و هارون بدرد حیات گفت، شایعه‌پراکنان بنی‌اسرائیل مرگ او را به موسی(ع) نسبت دادند، خداوند حقیقت امر را روشن ساخت و مشیت شایعه‌سازان را باز(عروسی حویزی، ج ۴، ص: ۳۰۹) بدین جهت خداوند وجود چنین عواملی که منجر به چنین مسائلی می‌گردد را به شدت ممنوع می‌گرداند. شایعه‌پراکنی و گفتن نسبت‌های ناروا نسبت به حضرت پیامبر اکرم(ص) نیز در مدینه ظهور پیدا نموده بود که خداوند به جهت پیشگیری از این مسأله دستور به رعایت استحکام در گفتار به مسلمین می‌کند تا از نفوذ هر گونه گفتار ناقص در جامعه جلوگیری نماید «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا» ۱۴

طبرسی در ذیل آیه چنین بیان کرده است: گفتاری درست بگوئید که از فساد دور باشد و از شایعه دروغ و بیهوده‌گویی خالص و پاک بوده و ظاهرش موافق با باطنش باشد(طبرسی ۱۳۷۲، ۸، ۵۸۴) ابن‌کثیر در توضیح قول سدید می‌نویسد: قول سدید یعنی گفتاری راست و مستقیم که در آن هیچ کجی و انحراف وجود ندارد(ابن‌کثیر، ج ۶، ص: ۴۳۰) صاحب تفسیر نمونه در توضیح این حدیث و جمع آرای تفسیری منقول در این آیه می‌گوید: «قول سدید» از ماده سد به معنی «محکم و استوار» و خلل ناپذیر و موافق حق و واقع است، سخنی است که همچون یک سد محکم جلوی امواج فساد و باطل را می‌گیرد، و اگر بعضی از مفسران آن را به معنی صواب و بعضی به معنی خالص بودن از کذب و لغو یا هماهنگ بودن ظاهر و باطن و یا صلاح و رشاد و مانند آن تفسیر کرده‌اند همه به معنی جامع فوق برمی‌گردد (مکارم ۱۳۷۴، ۱۷: ۴۴۷) بر اساس این آیه یکی از اصولی که لازم است در برقراری ارتباطات کلامی رعایت گردد اصل استحکام در سخن می‌باشد که حرمت گفتن افتراء، اطلاق نسبت‌های ناروا، شایعه‌پراکنی، گفتار ناقص، و غیره از مصادیق این اصل می‌باشد.

اصل استعمال قول معروف

یکی از اصول مهمی که قرآن به رعایت آن در برقراری ارتباطات کلامی به شدت به آن توصیه می‌نماید رعایت اصل استعمال قول معروف می‌باشد، خداوند متعال در قرآن کریم در شش آیه به رعایت این اصل در موارد متعدد توصیه نموده

۱۳- ای کسانی که ایمان آورده‌اید همانند کسانی نباشید که موسی را آزار دادند و خداوند او را از آنچه در حق او می‌گفتند مبرا ساخت، و او نزد خداوند آبرومند (و گرانقدر) بود.

۱۴- ای کسانی که ایمان آورده‌اید تقوای الهی پیشه کنید، و سخن حق و درست بگوئید.

است از جمله این آیات، این آیه می‌باشد: «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (احزاب: ۳۲)

در یکی از دستوراتی که قرآن به همسران پیامبر بیان می‌کند. آن است که با نرمی گفتار با مردان صحبت نکنند بلکه با قول معروف با دیگر مردمان ارتباط کلامی برقرار نمایند مشخص است که حکم این آیه منحصر در همسران پیامبر (ص) نمی‌باشد بلکه دلالت آن عام و شامل دیگر زنان مسلمان نیز می‌شود (طباطبائی ۱۴۱۷، ۱۶، ۳۰۹)، یکی از مفسرین معاصر با توجه به دستور آخر آیه که می‌فرماید: «وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ» (احزاب: ۳۳) می‌نویسد: این دستورات سه گانه نشان دهنده آن است و لزوم بیان قول معروف مخصوص به زنان پیامبر (ص) نیست، بلکه برای همگان است هر چند در مورد آنان تأکید بیشتری دارد. (مکارم ۱۳۷۴، ۱۷، ۲۹۲) صاحب تفسیر مخزن العرفان معتقد است احکام بیان شده در این آیات شامل دیگر زنان مسلمان نیز می‌گردد چرا که حکمت موجود در همه زنان یکی است اما به جهت انتساب همسران پیامبر به بیت رسالت در مورد آنها مهم‌تر است (بانوی اصفهانی، ۱۰، ۲۲۲) بنابر دلالت عام این آیه، این آیه به اصلاح شیوه گفتگوی زنان با مردان پرداخته و بر آنها لازم و ضروری می‌دارد که به آن پایبند شوند. خضوع در کلام به معنای آن است که به هنگام گفتگوی زنان در برابر مردان آهنگ سخن گفتن را نازک و لطیف کنند، تا دل مردان را دچار ریه، و خیال‌های شیطانی نموده، و شهوتش را بر انگیزانند، که در نتیجه باعث می‌شود آن کسانی که در دل بیمار می‌باشند به طمع گناه افتند، (قرطبی، ۱۴ طباطبائی ۱۴۱۷، ۱۶، ۳۰۸، آلو سی ۱۴۱۵، ۱۱، ۱۸۷) در این آیه از این گونه گفتگوی زنان به شدت نهی شده و در مقابل توصیه به گفتگو به شیوه معروف می‌نماید عبارت «وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا» یعنی سخن معمول و مستقیم بگویید، سخنی که شرع و عرف اسلامی آن را سخنی پسندیده می‌داند، سخن پسندیده یا معروف سخنی است علاوه بر مدلول خود کرشمه و ناز به آن اضافه نشده باشد که منجر به ایجاد ریه و طمع گردد (عاملی ۱۴۱۳، ۵۵۹، شوکانی، ۴، ۳۱۹، رازی، ۲۵، ۱۶۷) به تعبیر یکی از مفسرین معاصر قول معروف "گفتار نیک و شایسته) معنی وسیعی دارد که، هرگونه گفتار باطل و بیهوده و گناه‌آلود و مخالف حق را نفی می‌کند. همچنین مانع از ایجاد چنین توهمی می‌باشد که کسی تصور کند که باید برخورد زنان پیامبر ص با مردان بیگانه مودیانه یا دور از ادب نباشد، بلکه باید برخورد شایسته و مؤدبانه و در عین حال بدون هیچگونه جنبه‌های تحریک آمیز داشته باشد (مکارم، ۱۷، ۲۹۷) در برخی آیات دیگر که عبارت «قول معروف» در سیاق مسائل مربوط به ایتمام و سفیهان و بینوایان مطرح شده است (نساء: ۵ و ۸) چنین معنای را به دست می‌دهد که خطاب با ایتمام و بینوایان نباید به صورت تحقیرآمیز و از روی تکبر باشد (طبرسی ۱۳۷۲، ۳، ۱۹) بلکه گفتار با آنها باید شایسته مخاطب باشد که در اینجا لازم است از باب تکریم و محبت با آنها ارتباط کلامی برقرار کرد (طباطبائی ۱۴۱۷، ۴: ۳۱۶) در واقع می‌توان گفت قول معروف قولی است که شایسته شأن و شرایط مخاطب می‌باشد بدین جهت علامه طباطبائی در توضیح قول معروف می‌نویسد: «قول معروف» آن سخنی است که مردم بر حسب عادت آن را غیر معمولی ندانند، که البته به اختلاف عادات مردم مختلف می‌شود» (همو، ۲، ۵۹۶) بدین جهت است که کلام نیکو، زیبا، بدور از انحراف و عیب هریک از مصادیق قول معروف شمرده شده است (طبرسی ۱۳۷۲، ۲، ۶۴۸) براین اساس از مجموعه این آیات چنین به دست می‌آید که یکی از

اصول ایجابی که افراد جامعه اسلامی موظف به رعایت آن در برقراری ارتباطات کلامی می‌باشند اصل قول معروف می‌باشد که می‌تواند مصادیق مختلفی براساس شرایط مختلف داشته باشد.

نتیجه گیری

ارتباطات کلامی یکی از شیوه‌های بسیار مهم و اصلی ایجاد ارتباط انسان با یکدیگر می‌باشد که بخش عمده‌ای از زندگی و روابط اجتماعی انسان را در بر می‌گیرد قرآن به عنوان کامل‌ترین کتاب هدایتی و تربیتی برای اصلاح و هرچه بهتر کردن این بخش مهم زندگی انسان دستورها و سفارشات را بیان کرده است که آنها را می‌توان در چند اصل جمع کرده و به دو بخش اصول سلبی و اصول ایجابی دسته بندی نمود:

الف - اصول سلبی عبارتند از:

اصل اجتناب از گفتار باطل، اصل اجتناب از زشتگویی، اصل اجتناب از تبدیل کلام دیگران، اصل اجتناب از کاربرد واژگان شبهه آفرین و بهانه‌ساز.

ب - اصول ایجابی عبارتند از:

اصل استماع اقوال، اصل گفتگوی نیکو با همه مردم، اصل استحکام در سخن، اصل استعمال قول معروف که بر اساس این اصول به دست آمده، می‌توان گفت موارد زیر از مصادیق آنها می‌باشند:

حرمت دروغ، شهادت باطل، تهمت، غیبت، شایعه، گفتار زشت، ناسزاگویی، تحقیر کلامی، حرف‌های کرشمه‌دار، ترجیح صدا، غنا، حرف چند پهلو، کلام شبهه آفرین، جملات ایهام دار، گفتار ناقص، پخش شایعه، پخش و نقل گزارش‌های زشت، نفرین.

۱. آلوسی سید محمود، (۱۴۱۵ ق) روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، دارالکتب العلمیه - بیروت، چاپ اول،
۲. آل غازی عبدالقادر ملاحویش، (۱۳۸۲ق) بیان المعانی، مطبعه‌ی الترقی - دمشق، چاپ اول،
۳. ابن أبی جمهور، محمد بن زین الدین، (۱۴۰۵ ق) عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیّه - قم، چاپ: اول،
۴. ابن ابی حاتم عبدالرحمن بن محمد، (۱۴۱۹ ق) تفسیر القرآن العظیم (ابن ابی حاتم)، مکتبه‌ی نزار مصطفی الباز - عربستان سعودی، چاپ سوم،
۵. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، (۱۳۸۵ق) دعائم الإسلام - قم، چاپ: دوم،
۶. ابن عجیبه احمد بن محمد، (۱۴۱۹ق) البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید، دکتر حسن عباس زکی - قاهره،
۷. ابن کثیر دمشقی اسماعیل بن عمرو، (۱۴۱۹ ق) تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)، دار الکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون - بیروت، چاپ اول،
۸. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۴۰۴ / ۱۳۶۳ ق) تحف العقول - قم، چاپ: دوم،
۹. اندلسی ابو حیان محمد بن یوسف، (۱۴۲۰ ق) البحر المحيط فی التفسیر، دار الفکر - بیروت،
۱۰. بیضاوی عبدالله بن عمر، (۱۴۱۸ق). أنوار التنزیل و أسرار التأویل، دار احیاء التراث العربی - بیروت، چاپ اول،
۱۱. برقی، احمد بن محمد بن خالد، (۱۳۷۱ ق). المحاسن - قم، چاپ: دوم،
۱۲. بانوی اصفهانی سیده نصرت امین، (۱۳۶۱ ش). مخزن العرفان در تفسیر قرآن، نهضت زنان مسلمان - تهران،
۱۳. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، (۱۴۱۰ ق). غرر الحکم و درر الکلم - قم، چاپ: دوم،
۱۴. حسینی شاه عبدالعظیمی حسین بن احمد، (۱۳۶۳ ش). تفسیر اثنا عشری، انتشارات میقات - تهران، چاپ اول،
۱۵. حلی علامه حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تحریر الأحكام الشرعیّه علی مذهب الإمامیه (ط - القدیمه)، ۲ جلد، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، مشهد - ایران، اول، ه ق

۱۶. حرّعاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۳ هـ ق) الفوائد الطوسیة، در یک جلد، چاپخانه علمیه، قم - ایران، اول،
۱۷. محمد بن حسن، (۱۴۰۹ ق). وسائل الشیعهی - قم، چاپ: اول،
۱۸. حسنی أبوالمکارم محمود بن محمد، (۱۳۸۱ ش). دقائق التأویل و حقائق التنزیل، نشر میراث مکتوب - تهران،
۱۹. حقی بروسوی اسماعیل، (بی تا) تفسیر روح البیان، دارالفکر - بیروت،.
۲۰. خانی رضا/احشمت الله ریاضی، (۱۳۷۲ ش). ترجمه بیان السعادهی فی مقامات العبادهی، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام نور - تهران، چاپ اول،
۲۱. دیلمی، حسن بن محمد، (۱۴۰۸ ق). أعلام الدین فی صفات المؤمنین - قم، چاپ: اول،
۲۲. رازی فخر الدین ابو عبدالله محمد بن عمر، (۱۴۲۰ ق). مفاتیح الغیب، دار احیاء التراث العربی - بیروت، چاپ سوم،
۲۳. رازی ابو الفتوح حسین بن علی، (۱۴۰۸ ق) روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی - مشهد،
۲۴. زمخشری محمود، (۱۴۰۷ ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، دار الکتاب العربی - بیروت، چاپ سوم،
۲۵. سمرقندی نصر بن محمد بن احمد، (بی تا) بحر العلوم، بی جا،
۲۶. سیوطی جلال الدین، (۱۴۰۴ ق). الدر المنثور فی تفسیر المأثور، کتابخانه آیهی الله مرعشی نجفی - قم،
۲۷. شهید ثانی، زین الدین بن علی، (۱۴۱۰ هـ ق) الروضهی البهیة فی شرح اللمعهی الدمشقیة (المحشّی - کلانتر)، ۱۰ جلد، کتابفروشی داوری، قم - ایران، اول،
۲۸. کشف الریبهی (۱۳۹۰ ق). - بی جا، چاپ: سوم،
۲۹. شوکانی محمد بن علی، (۱۴۱۴ ق). فتح القدر، دار ابن کثیر، دار الکلم الطیب - دمشق، بیروت، چاپ اول،
۳۰. صادقی تهرانی محمد، (۱۴۱۹ ق). البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن، مؤلف - قم، چاپ اول،
۳۱. صدوق ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۱۳ ق). من لا یحضره الفقیه - قم، چاپ: دوم،
۳۲. طباطبایی سید محمد حسین (۱۴۱۷ ق). المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعهی مدرسین حوزه علمیه قم - قم، چاپ پنجم،
۳۳. طبرسی فضل بن حسن، (۱۳۷۲ ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات ناصر خسرو - تهران، چاپ سوم،
۳۴. طبری ابو جعفر محمد بن جریر، (۱۴۱۲ ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن، دار المعرفه - بیروت، چاپ اول،
۳۵. طوسی محمد بن حسن، (بی تا) التبیان فی تفسیر القرآن، دار احیاء التراث العربی - بیروت
۳۶. طیب سید عبد الحسین، (۱۳۷۸) اطیب البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات اسلام - تهران، چاپ دوم،
۳۷. عاملی علی بن حسین، (۱۴۱۳ ق). الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، دار القرآن الکریم - قم، چاپ اول،
۳۸. عروسی حویزی عبد علی بن جمعه، (۱۴۱۵ ق). تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان - قم، چاپ چهارم،
۳۹. فاضل مقداد جمال الدین مقداد بن عبدالله، (۱۴۱۹ ق) کنز العرفان فی فقه القرآن، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، چاپ اول،
۴۰. قرشی سید علی اکبر، (۱۳۷۷ ش) تفسیر احسن الحدیث، بنیاد بعثت - تهران، چاپ سوم،
۴۱. قرطبی محمد بن احمد، (۱۳۶۴) الجامع لأحكام القرآن، انتشارات ناصر خسرو - تهران، چاپ اول،
۴۲. کبیر مدنی شیرازی، سید علی خان بن احمد، (۱۴۰۹ ق). ریاض السالکین فی شرح صحیفهی سید الاساجدین - ایران؛ قم، چاپ: اول،
۴۳. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۲۹). کافی (ط - دار الحدیث) - قم، چاپ: اول،
۴۴. کاظمی جواد بن سعید، (۱۳۶۵ ش) مسالک الأفهام الی آیات الأحكام، کتابفروشی مرتضوی - تهران، چاپ دوم،
۴۵. مدرسی سید محمد تقی، (۱۴۱۹ ق) من هدی القرآن، دار محبی الحسین - تهران، چاپ اول،.

۴۶. تفسیر هدایت، (۱۳۷۷ ش). بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی - مشهد، چاپ اول،
۴۷. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۴۰۳ ق). بحار الأنوار (ط - بیروت) - بیروت، چاپ: دوم،
۴۸. - محمد باقر بن محمد تقی، (۱۴۰۴ ق). مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول - تهران، چاپ: دوم،
۴۹. مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ ق). الإختصاص - ایران؛ قم، چاپ: اول،
۵۰. مکارم ناصر، (۱۳۷۴ ش). تفسیر نمونه، دار الکتب الإسلامیة - تهران، چاپ اول،
۵۱. نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن، جواهر (۱۴۰۴ هـ ق) الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ۴۳ جلد، دار إحياء التراث العربی، بیروت - لبنان، هفتم،